

زندگی صالحان

سید محمد شفیع هارن رانی

دانشگاه اسلامی

سرشناسه	: شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: زندگی صالحان / سیدمحمد شفیعی مازندرانی.
مشخصات نشر	: تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ص ۳۳۱.
شابک	: 978-964-476-415-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۲۹] - ۳۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع	: مؤمنان
موضوع	: Believers*
موضوع	: مؤمنان -- احادیث
موضوع	: Believers - - Hadiths*
موضوع	: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴
موضوع	: Hadiths, Ethical - - 20th century*
شناسه افک	: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
رده‌بندی سنگر	: ۱۳۹۵/۹ش/۷۲/۲۵/۲ BP۲۲۵
رده‌بندی دی‌جی	: ۲۹۷/۴۶۴
شماره کد بشناسی ملی	: ۴۴۸۲۴۰۷



دفتر مرکزی: پاسداران، میدان هروی، خیابان هیداافتخاریان، طرحه مریم، پلاک ۲۳. تلفن: ۲۲۹۴۰۰۵۴ - ۲۲۹۳۶۱۴۰

زندگی صالحان

نویسنده: سیدمحمد شفیعی مازندرانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه در چاپخانه کانونچاپ لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

شابک: ۸ - ۴۱۵ - ۴۷۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

بها: ۲۳۰۰۰۰ ریال

مدیریت پخش و توزیع: تهران، خیابان فردوسی جنوبی، روبه‌روی فروشگاه شهر و روستا، بن بست اول، پلاک ۴ و ۵.

تلفن: ۳۳۹۱۲۳۵۵ - ۳۰۷ - ۳۳۹۲۰

فروشگاه‌ها و مراکز پخش:

■ فروشگاه شماره دو: تلفن: ۳۳۱۱۲۱۰۰ - ۳۳۱۱۴۲۸

■ فروشگاه شماره یک: تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵

■ فروشگاه مشهد: تلفن: ۲ - ۳۲۲۱۴۸۳۱ - ۰۵۱

■ فروشگاه شماره سه: تلفن: ۲۲۸۵۵۱۶۴

■ بست الکترونیک: print@dnfpub.com

■ نشانی الکترونیک: www.daftarnashr.com

■ پیامک: ۳۰۰۰۴۸۵۰

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک ارسال فرمایید.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۱ مقدمه
۱۲ آیا عمل صالح : هر کس پذیرفته است؟
۱۴ عاقبت نیک، بهای بهشت
۱۶ واژه صالح در قرآن
۱۶ صالحین چه کسانی هستند؟
۱۷ فصل اول: مهم‌ترین مبانی تربیت انسان صالح
۱۹ ۱. وراثت، خانواده و جامعه
۲۶ ۲. لقمه حلال و حرام
۳۱ ۳. موعظه و یادآوری
۳۳ ۴. ولایت: فرمان‌پذیری برابر امام معصوم <small>علیه السلام</small>
۳۸ ۵. مجالست و دوستی و تلقین
۳۹ ۶. انتظار: توجه به اسوه و پیشوا
۴۰ ۷. فکر و اندیشه
۴۰ ۸. عبرت
۴۲ ۹. محیط زندگی
۴۴ ۱۰. محیط سیاسی
۴۸ ۱۱. عمل
۵۰ ۱۲. نظارت عمومی
۵۵ فصل دوم: ویژگی‌ها و نشانه‌های انسان صالح
۵۹ ۱. حفظ حریم والدین و فرمان‌پذیری از آن‌ها

۶۶ ۲. توبه
۶۸ ۳. ادای دین
۷۰ ۴. زیارت خانه خدا و تجلی حالات عرفانی
۷۹ ۵. تقوایبشگی
۸۲ ۶. عفت، پاکدامنی
۸۵ ۷. ادب
۸۷ ۸. مسرور کردن مؤمنان و مشکل گشایی
۹۳ ۹. راز اسراف
۹۴ ۱۰. شکر و سپاس دادن به حق
۹۶ ۱۱. استغناء
۹۷ ۱۲. ثبات قدم در صراط حق
۹۹ ۱۳. پاسداری از عیبت امامه مؤمنان
۱۰۲ ۱۴. خلوص، اخلاص شکر
۱۰۶ ۱۵. تواضع پیشگی
۱۱۱ ۱۶. پاسداشت جوانی
۱۲۳ ۱۷. عزاداری سید الشهداء
۱۳۰ ۱۸. بصیرت
۱۳۶ ۱۹. اهتمام به واجبات
۱۳۷ ۲۰. اعجاز صله رحم
۱۳۸ ۲۱. احترام به دیگران
۱۴۲ ۲۲. چپستی مرگ و اعجاز یاد آن
۱۵۰ ۲۳. حفظ زبان
۱۵۵ ۲۴. از کنار کعبه ندای آسمانی
۱۶۱ ۲۵. اعجاز روزه
۱۶۳ ۲۶. شیدای دیدار
۱۶۷ ۲۷. پرورش فرزند صالح
۱۸۲ ۲۸. دعا و نیایش
۱۸۳ ۲۹. ذکر صلوات
۱۸۴ ۳۰. راز تأخیر ظهور امام زمان (عج)
۱۸۶ ۳۱. عفو و گذشت

۱۸۹	فصل سوم: مهم‌ترین مصادیق عمل صالح
۱۹۱	۱. جهاد اکبر
۱۹۳	۲. تفکر در معرفت به خدا
۱۹۴	۳. کار و تلاش خداپسندانه
۱۹۴	۴. تواضع در پیشگاه خداوند
۱۹۶	۵. زهد و وارستگی
۲۰۰	۶. ذکر به امیر <small>علیه السلام</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۰۱	۷. یاد از
۲۰۱	۸. نکته‌های راجع به قرآن
۲۰۵	۹. انتظار ظهور
۲۰۶	۱۰. خضوع
۲۰۶	۱۱. نرم‌خویی، شیرین‌زبان، نرم‌نتاری
۲۰۶	۱۲. مبارزه با عادت‌های درما
۲۰۷	۱۳. سکوت حکیمانه
۲۰۹	۱۴. صبر و صبوری
۲۱۰	۱۵. یقین
۲۱۲	۱۶. شب زنده‌داری
۲۱۳	۱۷. ایثار و از خودگذشتگی
۲۱۳	۱۸. اعجاز ذکر خدا
۲۱۴	۱۹. خوف و خشیت الهی
۲۱۴	۲۰. اخلاص
۲۱۵	۲۱. پرهیزکاری و مراتب آن
۲۱۶	۲۲. رکوع و سجود
۲۱۷	۲۳. سلام کردن و ابراز برادری با دیگران
۲۱۷	۲۴. همگامی با اهل معاصی یا مؤمنان
۲۲۰	۲۵. دعا و درخواست از خدا
۲۲۱	۲۶. گوشه‌نشینی حکیمانه
۲۲۱	۲۷. انصاف
۲۲۲	۲۸. سخن گفتن حکیمانه
۲۲۲	۲۹. یاد مرگ و زندگی پس از آن

۲۲۲	۳۰. عظمت جهاد در راه خدا
۲۲۴	۳۱. پاکدامنی
۲۲۶	۳۲. ازدواج
۲۲۸	۳۳. فراگیری علوم
۲۲۲	۳۴. استغفار
۲۲۳	۳۵. خوش گمانی به خدا
۲۲۳	۳۶. سه بر پدر و مادر
۲۲۵	۳۷. شجاعت کردن دیگران
۲۲۶	۳۸. نه کردن مهرآمیز و مؤمنانه، به انسان باایمان
۲۲۶	۳۹. رعایت حساب الهی

فصل چهارم: اعتدال صالح

۲۴۱	۱. فرمان‌پذیری مخلوقات را برابر بد خدا
۲۴۲	۲. تقرب
۲۴۴	۳. رهایی از زنجیرهای نفس
۲۴۵	۴. حراست اخروی
۲۴۶	۵. آرامش
۲۴۷	۶. حیات طیبه
۲۴۹	۷. استجابیت دعا
۲۵۰	۸. رهایی از سلطه شیطان
۲۵۱	۹. امامت بر زمین
۲۵۲	۱۰. سالم ماندن بدن در قبر
۲۵۳	۱۱. احترام ویژه

فصل پنجم: آسیب‌شناسی عمل صالح

۲۵۷	۱. هواپرستی
۲۵۸	۲. سلب توفیق
۲۵۹	۳. خستگی
۲۵۹	۴. بدگمانی
۲۶۰	۵. ریا
۲۶۰	۶. همنشینی با افراد ناباب

۷. عجب در عبادت ۲۶۱
۸. عمل ناپسند ۲۶۱
۹. لقمه حرام ۲۶۲
۱۰. حکومت باطل ۲۶۳

فصل ششم: برخی از الگوهای صالحان ۲۸۷

۱. انسان کامل از نظر امیرمؤمنان ۲۸۹
۲. یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام ۲۸۹
۳. گنجی که مسیح مقدس آن را یافت ۲۹۲
۴. مرد کرمانی در کربلا ۲۹۶
۵. ابوترابی رئیس آزادگان ایران ۲۹۷
۶. تأثیر تبلیغ و تذکر راستین ۲۹۹
۷. آیت الله العظمی میلانی و سوره زین ۲۹۹
۸. حکومت ملکه سبا ۳۰۰
۹. گفت‌وگوی یوسف با زلیخا ۳۰۲
۱۰. امتحان بی‌همتا ۳۰۶
۱۱. شفاعت امام حسین علیه السلام ۳۰۶
۱۲. زنان قهرمان ۳۰۶
۱۳. اویس قرنی ۳۰۷
۱۴. مردی که با امام زمان (عج) صحبت کرد ۳۰۸

فصل هفتم: شهید مقام‌ها ۳۱۳

۱. قرائت سوره یاسین ۳۱۵
۲. ارتحال آدمی در شب یا روز جمعه ۳۱۶
۳. قرائت سوره الرحمن ۳۱۶
۴. موت مادر باردار ۳۱۶
۵. عشق و محبت راستین نسبت به آل محمد ۳۱۶
۶. خوابیدن با وضو ۳۱۷
۷. وصیت خداپسند ۳۱۷
۸. اهل مدارا با مردم ۳۱۷
۹. زائر کعبه (مسجد پیامبر و بیت المقدس) ۳۱۷

۱۰. روز قدس، اهمیت بیت المقدس ۳۱۸
۱۱. شهید در راه دفاع از ناموس ۳۱۸
۱۲. کشته راه دفاع از همسایه ۳۱۸
۱۳. کسی که در راه دفاع از جان و مال خود و دین خدا کشته شود ۳۱۹
۱۴. کنترل غرایض جنسی خود (عشق مجازی) و انسان عقیف و پاکدامن ۳۱۹
۱۵. آرزوی شهادت ۳۱۹
۱۶. دائم الوضو بودن ۳۲۰
۱۷. فوت ایام تحصیل دانش ۳۲۰
۱۸. تارن قبر امام هشتم علیه السلام ۳۲۱
۱۹. تعام و تالیس، عمل به قرآن ۳۲۱
۲۰. پاداش ختم قرآن ۳۲۱
۲۱. صبوری در زندگی ۳۲۲
۲۲. مریض مرگی ۳۲۲
۲۳. کسی که غریبانه از دنیا برود ۳۲۲
۲۴. ترور شده، زیر هوا رفته، غرق شده، دری که در اوقات نفاس از دنیا رفته است ۳۲۲
۲۵. دانشمندان خداپرست ۳۲۲
۲۶. شهدای خانه داری ۳۲۳
۲۷. طاعون زده ۳۲۳
۳۳۰. منابع و مآخذ ۳۳۰

مقدمه

نشان عظمت انسان صالح، امر به عمل صالح همان است که ابراهیم خلیل در بارگاه الهی اظهار داشت: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ»؛^۱ خدایا مرا فرزندی از جنس صالحان عطا کن.

در قرآن نیز در کنار سخن از ایمان به حق، سخن از عمل صالح است مانند ایمان به خدا، و روز قیامت، توجه به نظارت عمومی خدا، سرعت بخشی در امر خیرات و...

«يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَهْتَدُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۲.

* * *

عمل آدمی چهار صورت دارد:

۱. عملی حسن فاعلی دارد ولی حسن فعلی ندارد (مانند نماز انسان معصومی که با اخلاص همراه نباشد).
۲. عملی که حسن فعلی دارد ولی حسن فاعلی ندارد (نماز با اخلاص که آدمی وضو نداشته باشد).
۳. عملی که نه حسن فاعلی دارد نه حسن فعلی (عملی که دور از اخلاص از آدم معصیت کار).

۱. صافات، آیه ۱۰۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۴.

۴. عملی که دارای حسن فاعلی و حسن فعلی باشد (عملی که همراه با وضو و اخلاص به وسیله انسان با ایمان انجام می‌شود).

* * *

یکی از مصادیق بارز عمل صالح، همان «خیر عمل» است، عملی که دارای دو ویژگی: حُسن فاعلی و حُسن فعلی است. چنین عملی را عمل صالح گویند که مصداق بارز آن در زندگی همان است که حدیث زیر به آن اشاره دارد.

پیامبر اکرم (ص) از امام صادق (ع) منقول از «حی علی خیر العمل» را پرسیدند، فرمود: «خَيْرُ الْعَمَلِ الْوَالِيَةُ». در کلام دیگر فرمود: «خَيْرُ الْعَمَلِ بِرُفَاتِمَةٍ وَوَالِدَهَا»^۱

به طور کلی هر کار خداپسند را می‌توان عمل صالح نامید. بدیهی است که کار نیک وقتی از انسان صالح سر می‌زند همان عمل صالح است، زیرا روحیه فاعل در فعل او تأثیرگذار است.

آیا عمل صالح از هر کس پذیرفته است؟

پیامبر اسلام (ص) در نامه‌ای به خسرو پرسیز نوشت: «فانی أنا رسول الناس كافة»^۲. بنابراین، با ظهور اسلام و تجلی خاتمیت، ادیان دیگر باید تسلیم در برابر فرمان و حکم الهی باشند، و کسانی که به ظهور اسلام و پیامبر خاتم آگاه باشند، می‌توان اعمال صالح لقب داد زیرا در عین حال به او ایمان نیاورند، اعمال صالح آن‌ها مورد رضایت خدا نخواهد بود. البته عاقبت و اعمال آدم‌های مستضعف عقیدتی، حساب دیگری دارد.

سیوطی در کتاب اسباب ورود الحدیث نقل می‌کند:

«جاء رجل الى رسول الله فقال يا رسول الله رأيت رجلاً من النصارى متمسكاً بالأنجيل و رجلاً من اليهود متمسكاً بالتوراة يؤمن بالله و رسوله ثم لم يتبعك؟ - قال رسول الله: من سمع بي من يهودى او نصرانى ثم لم يتبعنى فهو فى النار»^۳ کسی به رسول خدا گفت:

۱. توحید صدوق، ص ۲۴۱.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. اسباب ورود الحدیث، حدیث ۲۱۶، ص ۲۶.

مردمی مسیحی را دیدم در زمان ظهور اسلام طبق دین عیسی (انجیل) عمل می‌کردند و مردمی یهودی دیدم طبق آیین کلیم (تورات) عمل می‌کردند و از آیین تو پیروی نمی‌کردند. پیامبر ﷺ فرمود: آن‌ها اگر از ظهور دین من با خیر باشند و در عین حال بر آیین خود باقی بمانند اهل جهنم خواهند بود.

لذا آن حضرت به «زیاد بن جمهور» حاکم مسیحی نوشت:

«فلیوضعن کلّ دین دان به الناس الا الإسلام فاعلم ذلك». ^۱ هر دینی که در بین مردم مطرح است باید تعطیل شود و همه به آیین اسلام روی آورند.

وقتی رسالت خدا ﷺ اوراق توراتی را در دست عمر دید ناراحت شد و فرمود:

«لَقَدْ جِئَكُمْ بِهَا بَيِّنَاتٍ وَ لَوْ كَانُ مُوسَى حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا الْتِبَاعِي». ^۲ من برای شما رهنامه‌ای طریق حوش تری را آوردم و اگر موسای کلیم امروز زنده بود جز متابعت از من راهی نداشت (وظیفه او عمل به موازین اسلامی بود).

بدین خاطر آنگاه که مردی یهودی از رسول خدا پرسید:

«أَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ مُوسَى بِنُ عِمْرَانَ؟»

پیامبر اسلام ﷺ پاسخ داد:

«يَا يَهُودِي إِنَّ مُوسَى لَوْ أَدْرَكْتَنِي ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَ بِنَبِيِّي لَمَّا كُنْتُ إِيمَانُهُ...» ^۳ ای مرد یهودی اگر موسی در زمان من زنده شود و به من و نبوت من ایمان نیاورد، اما او برایش سودی ندارد.

گفتنی است که:

۱. صالحان، مورد نظر پروردگارانند و بعثت تمام انبیاء از سوی خدا و درون تمام کتاب‌های آسمانی فقط به خاطر آن بود که بشر را به حلقه صالحان پیوند دهند و انسان‌ها را از راه تربیت صحیح الهی از سنخ صالحان و از جنس این جمع الهی بار آورند. «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

۱. اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۱۹؛ مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۴۸۰.

۲. معانی الاخبار، ص ۲۸۲؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۹.

۳. امالی، صدوق، ص ۲۱۸.

۲. آینده تاریخ جهان و حاکمیت بر کره زمین از آن صالحین خواهد بود. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱.

۳. آینده بشریت در رضوان و جنت خدا و استفاده بهینه از نعمت‌های الهی تداوم می‌یابد و در باب استفاده‌کنندگان از نعمت‌های الهی در بهشت موعود، فقط صالحین مد نظراند و هیچ‌گونه از متخلفان از قوانین خدا و متمرّدان از تعالیم او یعنی غیر صالحین، به بهشت موعود راه نخواهند جست. (الجنة دار الصالحين). پس انسان صالح باید قدر خود را بشناسد و در بهشت فقط هویت خویش تلاش کند که هویت او از خداست. لذا کسی نمی‌تواند هویت بینی خود را به بازی بگیرد و آبروی خود را در جامعه ببرد.
در کلامی از امام حسین علیه السلام آمده است:

«مَنْ لَبَسَ شِرْكَاً وَرَأَى الْقِيَامَةَ أُعْرِضَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲. هر کس لباسی خلاف شأن خود بپوشد و انگشتش را بلند کند و شماتت و اعراض و اعتراض دیگران قرار گیرد، خدا از او در قیامت روی می‌گرداند.

بنابراین صالحان باید از صالح بردن خود در جامعه پاسداری کنند و ابهت و وقار خود را نادیده نگیرند.

عاقبت نیک، بهای بهشت

بهشت را به وسیله عمل صالح می‌توان خریداری کرد، در راقی عبادت کامل آدمی از این راه به دست می‌آید.

علامه، ذیل آیه «لَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۳ می‌نویسد: «عاقبت الحق والعمل الصالح ملاک السعادة الآخروية»^۴.
امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

۱. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۸۷۳.

۳. عصر، آیه ۳.

۴. المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۶.

«ذَازُ الْبُقَاءِ مَحَلُّ الصَّدِيقِينَ وَ مَوْطِنُ الْأَبْرَارِ وَ الصَّالِحِينَ». آخرت، خانه ماندگار، محل راستان و ابرار و صالحان است.

نیز فرمود:

«فَمَنْ أَلْجَأَهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ»^۲ بهای بهشت؛ عمل صالح است.

نیز فرمود:

«مَلُوا مَوَازِينَكُمْ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ - لَا تَبَايَعُوا كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ - عَلَيْكُمْ بِصَالِحِ الْقَمَلِ فَإِنَّهُ»^۳ «إِلَى الْجَنَّةِ».

یکی از اسباب پذیرفتن اعمال، قبول ولایت ولی الله است و این مسئله آدمی را به اوج می‌رساند؛ از این رو علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاسِهِ وَ مَرَعَهُ مَعْرِفَةَ رَبِّهِ وَ حَقَّ رُسُولِهِ وَ حَقَّ أَهْلُ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً»^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آیه زکات نازل شد، منادی رسول خدا در میان مردم اعلام کرد: خدا ادای زکات را بر شما واجب کرده است. در ماه رمضان، زکات اموال خود را بدهید تا نماز شما پذیرفته شود. «زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلُ صَلَاتُكُمْ»^۵. سعدی می‌گوید:

زکات مال بده کاغبان، نعله رز چو بیشتر بشم، بیشتر دهد انگور

۱. غررالحکم.

۲. غررالحکم.

۳. غررالحکم.

۴. غررالحکم.

چو شناسی به رسم نیک رأی
به دشت معرفت گسراشنایی
اگرچه، جز به منزل نیست جایی

خدا را گر بسی بایسته ای دوست
رسول و اهل بیست تابناکش
شهادت راه حق، محسوب گردی

آری! از پرداختن حق الله، کوتاهی مکن، تا به پرداختن آن به مخالفان خدا مجبور نشوی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْأَخْيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ إِلَى الْأَشْرَارِ اضْطِرَّاراً»^۱.

واژه صالح در قرآن

کلمه صالح با جمع صالحین، صالحون، صالحات در آیات مختلف قرآنی حضور دارد از جمله: الح (۸ بار)، صالحاً (۳۶ بار)، الصالحون (۳ بار)، صالحین (۱ بار)، صالحین (۶ بار) صالحات (۶۲ بار).

صالحین چه کسانی هستند؟

در پاسخ به پرسش فوق، باید گفت: برخی از صاحب نظران انسان صالح را چنین تعریف کرده اند «هُوَ الَّذِي يُؤَدِّي نِصْرَهُ لِنَفْسِهِ وَحَقُوقِ النَّاسِ». ^۲ انسان صالح، کسی است که آنچه خدا، مقرر داشته است را اداء می کند و به عبادت حقوق مردم اهتمام دارد (حق الله و حق الناس را رعایت می کند) درباره مادر یحیای پیامبر در قرآن آمده است: «... وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ»^۳. در تفسیر اصلحنا آمده است: او نازا (عقیم) رد نیز پیراه از کار افتاده بود همچنین تندخو بود ولی خدا این سه عیب را از وی دور ساخت «جعلناها حسنة الخلق بعد أن كانت سيئة الخلق و ... رددها عليها شبيها»^۴.

۱. جامع الاخبار، ص ۱۷۸؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳۱؛ «کسی که با آزادی و اختیار خود از دادن اموال خود به نیکان خودداری ورزد، خدا وی را مبتلا می سازد به دادن اموال خود به اشرار به طور ناخواسته»^۱.

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ رَبِّهِمْ بِهَا وَأَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيَةَ قَتَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَفَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالغَنَمِ وَمِنَ الْجَنْطَلَةِ وَالشَّعِيرِ وَالشُّرِّ وَالزَّبِيبِ قَتَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَمَّا لَهُمْ عَمَّا سَوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَفْرَضْ لِيْشَىءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى خَالَ عَلَيْهِمُ الْخَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَأَنْطَلَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَةَ قَتَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ رَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تَقْبَلْ صَلَاتِكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عَمَّالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَّالَ الطَّشُوقِ»^۲.

(الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷) و اگر نماز پذیرفته شود سایر اعمال پذیرفته است: (إِنْ قَبِلَتْ قَبْلِ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رَدًّا مَا سِوَاهَا).

۲. طریحی، مجمع البحرین، ماده صلح.

۳. انبیاء، آیه ۹۰.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ماده صلح.